




The University of Tehran Press

Analysis of Citizenship Rights Pertaining to Urban Parks and Green Spaces

Ali Mohammadian 

Associate Prof., Department of Jurisprudence and Islamic Law, Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen, Iran. Email: mohammadian@buqaen.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 2657-2674</p> <p>Received: 2024/08/08</p> <p>Received in Revised form: 2024/12/14</p> <p>Accepted: 2024/02/03</p> <p>Published online: 2025/12/22</p> <p>Keywords: <i>citizenship rights, parks, urban green spaces, principle of dignity (karamah), principle of no harm (la zarar).</i></p>	<p>The concept of citizenship rights is one of the most important issues in contemporary society. Among these, one of the most critical issues is citizenship rights related to green spaces and pedestrian walkways. The present study aims to identify those civil rights that are in some way related to urban green spaces and parks. This research is qualitative in nature and uses a descriptive-analytical methodology. The data for the study were analyzed based on two fundamental principles: the principle of human dignity (karamah) and the principle of no harm (la zarar), with reference to relevant legal documents and regulations. The results of the study show that numerous civil rights related to urban parks and green spaces can be identified under the principles of karamah and la zarar. Rights such as providing facilities for people with disabilities, allocating special spaces for women's sports, providing basic services, and expanding green spaces can be attributed to the principle of karamah. Meanwhile, obligations such as avoiding damage to green spaces and public property and respecting the rights of others fall under the principle of la zarar. The recognition of such rights should be incorporated into existing legal frameworks.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Mohammadian, Ali (2026). Analysis of Citizenship Rights Pertaining to Urban Parks and Green Spaces. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 55 (4), 2657-2674. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.380229.3575</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jplsqt.2025.380229.3575</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press. </p>



تحلیل حقوق شهروندی ناظر بر پارک‌ها و فضاهای سبز شهری

علی محمدیان ✉

دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران. رایانامه: mohammadian@buqaen.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله	
<p>مقوله حقوق شهروندی از مسائل حائز اهمیت در دوران معاصر است. در این میان یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در این زمینه مطرح است، حقوق شهروندی ناظر بر فضاهای سبز و پیاده‌راه‌ها است. در این زمینه هدف نوشتار حاضر شناسایی آن دسته از حقوق شهروندی است که به‌نحوی با فضاهای سبز شهری و پارک‌ها مرتبط است. پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و به لحاظ روش اجراء، از سنخ توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مربوط به پژوهش، بر پایه دو قاعده کرامت و لاضرر و با رجوع به قوانین و اسناد حقوقی مرتبط، تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد موارد متعددی از حقوق شهروندی را در موضوع پارک‌ها و فضاهای سبز شهری، می‌توان در ذیل قواعد کرامت و لاضرر شناسایی کرد. حقوقی از قبیل ایجاد امکانات برای معلولان، تخصیص فضاهای خاص برای ورزش بانوان، ارائه خدمات ضروری و بسط فضاهای سبز را می‌توان از نتایج قاعده کرامت دانست و اموری مانند پرهیز از آسیب رساندن به فضای سبز و اموال عمومی و رعایت حقوق دیگران را می‌بایست در ذیل قاعده لاضرر تعریف کرد که به رسمیت شناختن چنین حقوقی باید در قوانین موضوعه نیز لحاظ شود.</p>	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۶۵۷-۲۶۷۴</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱</p>	
		<p>کلیدواژه‌ها: پارک‌ها، حقوق شهروندی، فضاهای سبز شهری، قاعده کرامت، قاعده لاضرر.</p>
		<p>استناد</p> <p>محمدیان، علی (۱۴۰۴). تحلیل حقوق شهروندی ناظر بر پارک‌ها و فضاهای سبز شهری. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۵ (۴)، ۲۶۵۷-۲۶۷۴. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2025.380229.3575</p>
		<p>DOI</p> <p>10.22059/jplsq.2025.380229.3575</p>
		<p>ناشر</p> <p>مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p>



۱. مقدمه

بی تردید مباحث مرتبط با «حقوق شهروندی» از جمله مسائل پراهمیت در روزگار معاصر است. «حقوق شهروندی» مفهومی است که به طور خاص بر روی عدالت و رعایت حقوق شهروندان هر کشوری تمرکز و تأکید داشته و در عرصه حقوق و سیاست در دوران مدرن جایگاه ممتازی پیدا کرده است. موضوع حقوق شهروندی آن دسته از حقوق و مزایا و تکالیفی را شامل می‌شود که هر فرد به‌عنوان تابع یک دولت و کشور از آن برخوردار و بدان موظف است. این حقوق مجموعه متنوعی از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در برمی‌گیرد. به عبارت دیگر حقوق شهروندی بیانگر مختصات حقوق و تکالیف بنیادین افراد یک جامعه برای داشتن زندگی فردی و اجتماعی فعال در آن جامعه است. البته باید توجه داشت که در حقوق شهروندی حق و تکلیف رابطه‌ای دوسویه دارند؛ یعنی از یک سو دولت به‌عنوان نماد قدرت موظف است از حقوق شهروندان حمایت کند و از دیگر سوی شهروندان نیز موظف خواهند بود به وظایف خود از قبیل پرداخت مالیات و عدم تعرض به حقوق دیگر افراد جامعه عمل کنند.^۲

در این میان از سوی دیگر و به موازات تحول حقوق افراد، شهرنشینی نیز رشد فزاینده‌ای یافته است؛

۱. مطابق یک تعریف، تابعیت رابطه‌ای حقوقی و سیاسی بین یک شخص و یک کشور است که موجب تعلق آن فرد به آن کشور گردیده و حقوق و تکالیف متقابلی را برای طرفین ایجاد می‌کند (سلجوقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۳۲). با توجه به تعریف مزبور، تابعیت را می‌بایست عضویت شخص در جمعیت تشکیل‌دهنده دولت قلمداد کرد که نتیجه و ثمره آن بهره‌مندی فرد از حقوقی است که مطابق قوانین کشور متبوع برای شهروندان آن کشور وجود دارد. البته با پیشرفت روابط بین‌الملل و افزایش مهاجرت از یک سو و ایجاد عواملی چون آوارگی ناشی از جنگ و بی‌تابیتی از سوی دیگر، دولت‌ها درصدد برآمدند تا حقوق حداقلی را برای بیگانگان (غیر اتباع) در نظر بگیرند که امروزه دولت‌ها با توجه به ظرفیت‌های خویش، با انعقاد معاهدات و رعایت مقتضیات جامعه بین‌المللی، بیگانگان را از حقوق انسانی برخوردار دانسته‌اند که ایران نیز از این امر مستثنا نیست. البته از آنجایی که هر دولتی قواعد خاصی برای تعیین اتباع خود تنظیم می‌کند، همین امر باعث تفاوت‌هایی در حقوق بیگانگان نسبت به اتباع یک کشور می‌شود و بدیهی است که همه کشورها مبتنی بر مصالح ملی محدودیت‌هایی برای حقوق بیگانگان در نظر می‌گیرند، زیرا حضور و اقامت اتباع بیگانه در هر کشوری با امنیت، نظام سیاسی، اقتصاد، فرهنگ و جامعه ارتباط دارد و از این رو از حساسیت‌های ویژه‌ای نیز برخوردار است. آنچه در باب موضوع جستار حاضر روشن و خالی از مناقشه است اینکه کلیه اتباع بیگانه مانند گردشگران خارجی، بدون هیچ محدودیتی می‌توانند از فضاهای سبز و امکانات رفاهی موجود در کشور مقصد استفاده کنند؛ از این رو باید اذعان داشت حتی اگر فردی تابعیت ایران را نداشته باشد و به‌عنوان مثال برای سفر گردشگری و توریستی به ایران آمد باشد، امکان بهره‌مندی از فضاهای سبز شهری و مناطق گردشگری را دارا خواهد بود.

۲. البته در این زمینه تکالیف شهروندان را می‌توان به رسمی و غیررسمی تقسیم کرد. وظایفی چون خدمت وظیفه سربازی، پرداخت مالیات و آموزش اجباری از تکالیف رسمی یک شهروند محسوب شده و در مقابل مواردی مانند شهروند رأی دادن و شرکت در انتخابات، مشارکت در جامعه مدنی و... از تکالیف غیررسمی شهروندان محسوب می‌شوند.

به گونه‌ای که قرن گذشته را قرن انقلاب صنعتی و عصر حاضر را قرن انقلاب شهری دانسته‌اند. در این بین یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که از یک طرف با حقوق شهروندی سروکار دارد و از سوی دیگر با رشد فزاینده پدیده شهروندی، ضرورت پرداختن به آن دوچندان شده است، حقوق شهروندی ناظر به فضاهای سبز و همچنین پیاده‌راه‌هاست.

با توجه به گسترش بی‌رویه و سرسام‌آور زندگی ماشینی و نقش و اهمیت بی‌بدیل پارک‌ها و پیاده‌راه‌ها و فضاهای باز شهری در دنیای معاصر از حیث تأمین آرامش حداقلی شهروندان و ارائه خدمات و امکانات برای استراحت، تفریح، خرید و... در این مکان‌ها که دامنه گسترده‌ای از شهروندان را با خود درگیر می‌کند، نوشتار حاضر خواهد کوشید حقوق عام و شهروندی ناظر بر این محیط‌ها را در پرتو رجوع به قواعد فقهی استخراج و تحلیل کرد و فرادید قرار دهد.^۱ ضرورت تحقیق از آن رو است که تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه، علی‌رغم کاربردی بودن آن صورت نگرفته است.

شایان ذکر است که روش پژوهش حاضر از سنخ توصیفی-تحلیلی بوده و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای سامان یافته است که با تأمل در میراث مکتوب فقهی و استخراج قواعد فقهی ناظر به بحث سامان یافته است. شایان ذکر است که از آنجا که در مطالعات و تحقیقات توصیفی لازم است داده‌ها به صورت روشمند تحلیل شوند، جستار فرارو پس از استخراج مصادیق متعدد از حقوق و تکالیف شهروندی مرتبط با فضاهای سبز شهری و پیاده‌ها، این داده‌ها را به صورت منسجم و در ساختار معین و روشمند در ذیل قواعد فقهی قرار داده و مورد واکاوی و تحلیل فقهی و حقوقی قرار می‌دهد.

۲. مفاهیم نظری تحقیق

۱.۱. حقوق شهروندی

برای تبیین صحیح معنای «حقوق شهروندی» شایسته است هریک از مفاهیم «حقوق» و «شهروند» توضیح داده شوند تا درک عمیق‌تری نسبت به این مفهوم حاصل شود. «حقوق» واژه‌ای عربی و در لغت جمع واژه «حق» بوده و در معانی گوناگونی از قبیل ثبوت، درستی، راستی، التزام و وجوب به کار رفته است

۱. مطابق اصل ۴ قانون اساسی کلیه قوانین و مقررات کشور (اعم از مدنی، جزایی، مالی، فرهنگی و...) باید بر اساس موازین اسلامی باشد. در این میان فقه امامیه دانشی است که متکفل بیان احکام و مقررات بوده و ضرورت دارد قوانین موضوعه متخذ از آموزه‌های فقهی بوده و یا دست‌کم با این آموزه‌ها در تعارض و تقابل نباشند. در توضیح بیشتر مطلب باید گفت تقریباً همه شئون مختلف زندگی بشر در گستره علم فقه مطرح بوده و بلکه فقه خود را محل مراجعه به انواع مسائل مطرح در شئون یادشده می‌داند. در توضیح این امر گفته شده است که لازمه فطری و خاتمیت دین استیعاب و فراگیر بودن آموزه‌های آن اسلامی نسبت به همه اعصار است و این مطلبی است که تعدادی از آیات قرآن هم به آن پرداخته‌اند (ر.ک: منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۲).

(ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۴۹). برخی از معاجم لغوی معانی دیگری را نیز برای حق برشمردند که پاره‌ای از آنها عبارت‌اند از: عدل، مقابل باطل، و نامی از اسمای پروردگار متعال (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۱۴۶۰). شایان توجه آنکه بسامد و تنوع معانی حق آن‌چنان گسترده است که برخی تا دوازده معنا برای آن ذکر کرده‌اند (تفلیسی، ۱۳۶۰: ۷۷). در هر حال ظاهراً فارغ از معانی متعدد لغوی، آنچه در این بین اهمیت دارد معنای اصطلاحی این واژه است. باید گفت اگرچه حق در دانش‌های گوناگون از قبیل فلسفه، اخلاق، سیاست و... می‌تواند دلالت‌های معنایی متفاوتی داشته باشد، اما تعریفی از این واژه که ناظر بر موضوع جستار می‌شود، تعریف حقوقی این لفظ است. اندیشوران حقوق، حق را عبارت از اقتداری دانسته‌اند که قانون به اشخاص اعطا می‌کند تا در انجام اعمال معین آزاد باشند و به عبارتی قدرت و تسلط بر انجام برخی از امور را داشته باشند؛ البته در محدوده‌ای که قانون تعیین می‌کند و در مقابل، هر حقی ممکن است تکلیفی را نیز برای افراد ایجاد کند (امامی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۲۴). در تعریفی دیگر گفته شده است حق امتیازی را گویند که اشخاص واجد آن می‌شوند. برای نمونه وقتی از حقوق زوجین سخن به میان آورده می‌شود، مراد امتیازاتی است که هریک از ایشان نسبت به دیگری دارا می‌باشند (طباطبایی، ۱۳۵۰، ج ۲: ۵۴).

شهروندی (منسوب به شهروند) در لغت به معنای هر آنچه به شهروندان مربوط است (موضوعات مرتبط با شهروندان) بوده و شهری به هر آن کسی گفته می‌شود که مقیم شهر (محلّی عظیم که دارای شوارع متعدد و سکنه فراوان باشد) باشد (معین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۰۹۷). در تعریف شهروند گفته شده است که این اصطلاح در مورد افرادی به کار گرفته می‌شود که توانسته‌اند ملاک‌های یک انسان مدنی را در خود نهادینه کنند و حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و همچنین حقوق و امتیازاتی است که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری) دولت و یا به‌طور کلی قوای حاکم است (پیرهادی، ۱۳۸۵: ۲۲). البته پرواضح است که چنین اصطلاحی در متون دینی مشاهده نمی‌شود. اما نباید پنداشت که حقوق شهروندی به‌طور کلی در ادبیات دینی مغفول افتاده است. در میراث شرعی تعبیری مانند «امت»، «ناس» و «رعیت» وجود دارند که ممکن است هریک به وجوهی از حقوق شهروندی اشاره داشته باشند. برای نمونه یکی از اندیشوران معاصر مسلمان در این زمینه معتقد است در نهج‌البلاغه تعبیری مانند «والی» و «رعیت» ذکر شده است که در ظاهر مربوط به جنبه رعایت و حفظ است و برای نمونه به دستگاه حکومت از آن جهت این تعبیر اطلاق می‌شود که حافظ حقوق و امنیت داخلی و خارجی و مجری قانون است (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۳۱).

۲.۲. پارک

پارک (Park) واژه‌ای فرانسوی و در اصل لغت به معنای محل توقف است (تقوایی، ۱۳۹۲: ۲۹). این کلمه در فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی در معنای زمین و فضای سبزی بوده است که در آن

حیوانات نگهداری می‌شدند و درب این مکان‌ها معمولاً با حصار محافظت می‌شده است (براتی، ۱۳۸۱: ۴۲). اگرچه این واژه با توجه به وضع لغوی خود، می‌تواند معانی گوناگونی از قبیل محل توقف اتومبیل و... یابد؛ اما آنچه در این پژوهش از کاربری این واژه اراده می‌شود، به آن دسته از زمین‌هایی گفته می‌شود که برای تفریح و سپری کردن اوقات فراغت شهروندان اختصاص داده می‌شوند. همچنین در تعریف پارک گفته شده است: «پارک معمولاً به قطعه زمینی فراخ و گسترده، محصور شده و همراه با گیاهان و درختان و چمن و علفزار گفته می‌شود» (مجنونیان، ۱۳۷۴: ۳۴). جست‌وجوی این واژه در فرهنگ‌های فارسی نیز مؤید همین معناست. برای مثال در فرهنگ دهخدا در مقابل واژه مزبور آمده است: «باغ وسیع پردرخت که گردش و جز آن را بکار است؛ مانند پارک مخبرالدوله، پارک اتابک و پارک امین‌الدوله» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴: ۶۸۵). مرحوم معین نیز در ذیل این لغت آورده است: «باغ وسیع پردرخت برای گردش و شکار» (معین، ۱۳۶۲، ج ۱: ۷۴۱).

۳.۲. پیاده‌راه

پیاده‌راه‌ها عموماً به مکان‌ها یا معابری گفته می‌شود که به‌طور خاص در اختیار گروهی از شهروندان قرار می‌گیرند که به‌صورت پیاده مسیری را می‌پیمایند و وسایل نقلیهٔ موتوری جز در موارد ضرورت اجازه و حق استفاده از این مکان‌ها را ندارند (رسولی، ۱۳۸۸: ۱۰۸). در ضرورت ایجاد پیاده‌راه‌ها گفته شده است که شهر تنها حجم و تراکم فیزیکی بناها نیست؛ بلکه باید بستری برای پاسخگویی به نیازهای عالی انسان نیز باشد و یکی از مصادیق برآوردن این نیاز، ایجاد فضای شهری پیاده است (عاشوری، ۱۳۸۹: ۴۵). در توضیح مطلب باید گفت از آنجا که معابر پیاده در فضای عمومی شهری برای حرکت عابر پیاده است، موجبات تقویت رابطه اجتماعی و معنوی افراد می‌گردد (معین، ۱۳۸۵: ۱۱). برخی معتقدند جایگاه پیاده‌راه‌ها در حمل‌ونقل از این جهت نیز حائز اهمیت است که پیاده‌روی ایمن‌ترین و پاک‌ترین شیوه حمل‌ونقل بوده و با تحریک کردن حس کنجکاوی و درگیر نمودن حواس بصری موجب مشارکت و آموزش عمومی می‌شود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

۴.۲. قواعد فقهی

فقه در لغت به معنای فهم عمیق و ژرف و دقیق از هر مسئله (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۵۲۲؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۳۵۵)، و در اصطلاح عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی منابع چهارگانهٔ آن، یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۳۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۴۰). شهید مطهری در تعریف فقه چنین می‌نگارد: «فهم ژرف و استنباط عمیق احکام و مقررات ناظر به زیست فردی و اجتماعی آحاد مسلمین از منابع و مستندات معین» (مطهری، ۱۳۸۱: ۳۱۱).

واعد فقهی نیز مطابق یک تعریف جامع فرمول‌هایی کلی هستند که منشأ و خاستگاهی برای استخراج قوانین محدودتر می‌شوند. این فرمول‌های کلی به مورد یا موارد جزئی خاص محدود نمی‌شوند، بلکه به‌مثابه اصولی عام، مبنای قوانین بی‌شماری می‌توانند قرار گیرند. به دیگر سخن قواعد فقه، بنیان‌هایی کلی و جامع هستند که به لحاظ کلیت و شمول خویش، در موارد گوناگون می‌توانند محل استناد قرار گیرند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۳). برای مثال میان قاعده لاضرر که یک حکم و قاعده کلی است با مسئله جزئی و مشخص که می‌گوید «اگر پارک غیرمجاز خودرو سبب ورود خسارت به دیگران شود، صاحب خودرو باید از عهده جبران خسارت برآید»، تفاوت آشکار وجود دارد.^۱

۳. یافته‌های ناظر بر حقوق شهروندی پارک‌ها و فضاهای سبز شهری

در این قسمت قواعد فقهی ناظر بر پارک‌ها و پیاده‌راه‌ها که با حقوق شهروندی ارتباط وثیقی دارند شناسایی و تبیین می‌شوند. حسب رهاورد جستار حاضر این قواعد می‌توانند در ذیل دو عنوان کلی قاعده «کرامت» و نیز قاعده «لاضرر» معرفی شوند که در ادامه پس از توضیح هر یک از این عناوین، حقوق شهروندی مرتبط و مندرج در ذیل هر یک از این دو قاعده تحلیل خواهند شد.

۳.۱. قاعده کرامت

مطابق آموزه‌های قرآنی، انسان از آن حیث که انسان است از نوعی کرامت ذاتی برخوردار است.^۳ مفسران

۱. در توضیح بیشتر باید گفت قاعده لاضرر، همان‌گونه که در خلال سطور بعد تبیین خواهد شد، یکی از قواعد مشهور و کلی فقهی است که در ابواب گوناگون بدان استناد می‌شود و آثار فراوانی به‌دنبال دارد. اهمیت این قاعده به‌عنوان یکی از قواعد اساسی و بنیادین به‌حدی است که در بیشتر ابواب فقه، اعم از عبادات و معاملات مورد استناد و استفاده قرار گرفته است. در خصوص جایگاه این قاعده باید گفت، بسیاری از فقیهان نامدار شیعه در تألیفات و تصنیفات خود، رساله و کتاب مستقلاً را بدان اختصاص داده‌اند؛ زیرا قاعده لاضرر از جمله قواعد فقهی است که مختص به یک باب از ابواب فقه نیست و از باب طهارت تا آخر باب دیات را شامل می‌گردد (سیستانی، ۱۴۱۴ق: ۵). برای تقریب به ذهن و به‌عنوان مثال می‌توان گفت اگر شخصی در منزل خود آتش روشن نموده و باعث ضرر به همسایه گردد (مسئله جزئی)، طبق قاعده لاضرر (قاعده و حکم کلی) همسایه می‌تواند جلوی آتش روشن کردن شخص را بگیرد. بنابراین قاعده لاضرر به‌مثابه عنوانی کلی، بر مصادیق جزئی حاکمیت داشته و حکم ضرری را دفع می‌کند.

۲. مطابق آموزه‌های قرآن دو نوع کرامت برای انسان می‌توان برشمرد: نخست کرامت ذاتی که موضوع آن انسان بما هو انسان بوده و از این حیث فرقی بین نژاد، رنگ، مذهب، زبان و دین افراد وجود ندارد؛ و دیگری کرامت اکتسابی مانند تقرب به خداوند متعال که با تلاش و مجاهدت خود انسان تحصیل می‌شود. به‌طور کلی کمالاتی که انسان در پرتو ایمان و اعمال صالح اختیاری خود به‌دست می‌آورد در این دسته قرار می‌گیرند. آیه ۷۰ سوره اسراء که ذکر آن پیشتر گذشت مبین نوع اول کرامت و آیاتی از قبیل «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات/۱۳) از نوع دوم به‌شمار می‌روند.

۳. اسراء/۷۰: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا

مسلمان گستره معنایی آیه را شامل حال نوع بشر دانسته و تصریح کرده‌اند که مدلول آن تمامی انسان‌ها را از آن حیث که انسان هستند، در برمی‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۱۵۶).^۱

بر این اساس چنین مستفاد می‌شود که خداوند متعال انسان‌ها را بدون ملاحظه عقیده و فکر و از نظر انسانیت و کرامت ذاتی ایشان واجد یک دسته از حقوق دانسته و لذا پذیرش کرامت در این معنا اثبات‌کننده حقوقی برای انسان‌ها خواهد بود. با عنایت به نکات مذکور می‌توان یک سری از حقوق شهروندی را ناظر بر موضوع مقاله حاضر برای افراد از حیث شهروندی بودن و بلکه بالاتر، از حیث انسان بودن و ضرورت حفظ کرامت آدمی در نظر گرفت و رعایت آنها را لازم و ضروری دانست. این حقوق را می‌توان در خصوص پارک‌ها و پیاده‌راه‌ها چنین برشمرد:

۳.۱.۱. ایجاد امکاناتی برای استفاده معلولان

بدیهی است که معلولان و گروه‌هایی مانند سالخوردگان نیز مانند سایر اقشار جامعه حق برخورداری از رفاه و امکانات سالم را دارند و کرامت ذاتی و خدادادی ایشان در این زمینه باید حفظ شود. در این زمینه لازم است امکاناتی در پارک‌ها و فضاهای سبز شهری و نیز پیاده‌راه‌ها قرار داده شود تا معلولان بتوانند مانند سایر اقشار جامعه از این امکانات استفاده کنند. واقعیت این است که امروزه در غالب کشورها یکی از چالش‌های مهم، برابری فرصت‌ها، توسعه عادلانه، فراگیر و پایدار برای تمامی شهروندان است و در این میان توانمندسازی افراد دارای معلولیت از اهمیت بیشتری برخوردار است. در پاسداشت حقوق معلولان روزی جهانی به این قشر اختصاص داده شده است. در حقوق کشور ما نیز اگرچه گام‌هایی در راستای تکریم و احیای حقوق معلولان برداشته شده، اما این گام‌ها هرگز کافی نبوده و مستلزم تکمیل و پیمایش گام‌های دیگر است. در این زمینه قانونی تحت عنوان «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» (مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۶) به تصویب رسیده است که مطابق ماده ۱ این قانون «دولت موظف است زمینه‌های لازم را برای تأمین حقوق معلولان فراهم و حمایت‌های لازم را از آنها به عمل آورد». همچنین مطابق ماده ۲ این قانون کلیه نهادهای دولتی و ارگان‌هایی که با بودجه عمومی اداره می‌شوند وظیفه دارند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به‌نحوی عمل کنند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم شود. در تبصره

^۱ تَفْضِيلاً. ما فرزندان آدم را گرامی داشته و تکریم نمودیم و ایشان را در خشکی و دریا استیلا و تفوق دادیم و آنان را از

نعمت‌های پاکیزه روزی دادیم و ایشان را بر کثیری از مخلوقات خود برتری آشکار دادیم.

۱. «أن المراد بالأية بيان حال لعامة البشر مع الغض عما يختص بعضهم من الكرامة الخاصة الإلهية والقرب والفضيلة الروحية المحضة...».

ماده مذکور مقرر شده است که ارگان‌های پیش گفته موظف‌اند برای دسترسی و بهره‌مندی معلولان، ساختمان‌ها و اماکن عمومی، ورزشی و تفریحی، معابر و وسایل خدماتی موجود را در چارچوب بودجه‌های مصوب سالانه خود مناسب‌سازی کرده و شهرداری‌ها موظف‌اند از صدور پروانه احداث و یا پایان کار برای آن تعداد از ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابری که استانداردهای تخصصی مربوط به معلولان را رعایت نکرده باشند خودداری ورزند.^۱

۲.۱.۳. تخصیص فضاهای خاص برای ورزش بانوان

با عنایت به اینکه در اعتقادات دینی، فرهنگ، عادات و آداب و رسوم کشور ما بانوان از جایگاه خاصی برخوردارند، بنابراین ضرورت دارد که شأن و کرامت ایشان حفظ شده و فضاهایی به آنان اختصاص داده شود که به راحتی و فراغ از هرگونه دغدغه‌ای به تفریح سالم بپردازند. از آنجا که بانوان نقش مهمی در کانون خانواده و در تربیت فرزندان دارند، توجه به ورزش و تفریح آنان در راستای زندگی بهتر امری ضروری است. این در حالی است که امکانات و فضاهای ورزشی اختصاصی به بانوان در کشور ناچیز بوده و در بسیاری از شهرها وجود ندارد. پرواضح است ایجاد اماکنی که تنها بانوان حق حضور در آن داشته باشند و بتوانند بدون حجاب و با آرامش و فراغ بال در این محیط‌ها به ورزش و تفریح بپردازند می‌تواند گام مؤثری در این زمینه تلقی شود. همچنین در احداث این فضاها مواردی از قبیل رعایت امنیت بانوان، محصور بودن، مشرف نبودن ساختمان‌های اطراف و ... باید لحاظ شوند.

منشور حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۹۵) در ماده ۸۹ در این زمینه مقرر می‌دارد: «حق همه شهروندان به‌ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم دسترسی داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی - ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند». همچنین در این زمینه می‌توان به بند ۵۳ «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» اشاره کرد که:

۱. مع‌الاسف باید گفت هنوز در سطح گسترده‌ای از جامعه، توانایی‌های معلولان نادیده انگاشته شده و به ایشان به چشم قشری مصرف‌کننده نگاه می‌شود. در آسیب‌شناسی اجرای قانون مذکور و سایر قوانینی که به‌نوعی می‌توانند شامل حقوق معلولان شوند باید گفت علی‌رغم تصویب و ابلاغ و لازم‌الاجرا بودن این قانون، همچنان ضمانت اجرای مناسبی برای آن در نظر گرفته نشده است. این امر می‌تواند علل گوناگونی مانند ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی یا عدم تخصیص بودجه کافی داشته باشد. برای نمونه مسئله مناسب‌سازی فضای شهری برای استفاده معلولان همچنان با بی‌اعتنایی و غفلت مسئولان امر مواجه است؛ به‌طوری‌که نمی‌توان انکار کرد بیشتر معابر عمومی برای عبور معلولان مناسب‌سازی نشده‌اند و حتی در ورودی برخی خیابان‌ها موانعی برای جلوگیری از عبور موتورسیکلت‌ها وجود دارد که مانع تردد معلولان می‌شود. همچنین هنوز در سطح کلان مشاهده می‌شود که امکان استفاده راحت از وسایل نقلیه عمومی برای معلولان وجود نداشته و ایشان در این زمینه با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند.

«حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم» (مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی) را برای بانوان به رسمیت می‌شناسد.

۳.۱.۳. ارائه خدمات ضروری

پرواضح است که در مکان‌های تفریحی به خصوص پارک‌های جنگلی که نوعاً از وسعت شایان توجهی برخوردارند، به سبب محدودیت تردد خودرو به فضای داخل این قبیل پارک‌ها، باید امکاناتی تمهید شود تا در صورت بروز حادثه، به سرعت عملیات امداد رسانی صورت پذیرد. از این رو بایسته است در این مکان‌ها بخش اورژانس یا دست کم کمک‌های اولیه با توجه به مؤلفه‌ها و متغیرهایی مانند میزان وسعت پارک و نیز میزان بازدیدکنندگان ایجاد گردد. همچنین ضرورت دارد نکات ایمنی مرتبط با تجهیزات و خدماتی که در پارک‌ها ارائه می‌شود به طور کامل رعایت شده و نظارت مستمر بر تأسیسات موجود در این محیط‌ها از قبیل وسایل تفریحی برقی که بیشتر در معرض آسیب‌رسانی و استهلاک هستند صورت پذیرد تا از ورود آسیب به شهروندان اجتناب شود.

کنترل سیستم روشنایی پارک‌ها و نظارت بر خدمات فرهنگی و دینی مانند مساجد و نیز خدمات بهداشتی از قبیل سرویس‌های بهداشتی، آب‌خوری‌ها و اموری از این دست و نیز اتخاذ سیستم نظارتی و انتظامی نیز در زمره خدماتی هستند که تأمین آنها ضرورت دارد و به تکریم شهروندان و حفظ امنیت بیشتر این قبیل فضاها منجر خواهد شد.

منشور حقوق شهروندی در این زمینه در ماده ۸۶ اشعار می‌دارد: «حق هر شهروند است که از رفاه عمومی و تأمین اجتماعی و خدمات امدادی بهره‌مند شود». همچنین در ماده ۸۵ منشور مزبور آمده است: «آرامش، شادابی و امید به آینده‌ای بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است». همچنین در مصوبه «نقشه مهندسی فرهنگی کشور» (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۵)، بر ضرورت طراحی ضوابط و استانداردهای ملی اصلاح و ارتقای سلامت محیط‌های گوناگون اجتماعی قبیل محیط‌های ورزشی و تفریحی تأکید شده است.

۳.۱.۴. بسط فضاهای سبز

رشد قارچ‌گونه و بی‌ضابطه شهرها در دنیای مدرن و تراکم‌فروشی فضاهای شهری توسط شهرداری‌ها و در نتیجه گسترش ساخت‌وسازهای سودگرایانه، به از بین رفتن فضاهای سبز و آلودگی فزاینده زمین منجر شده و نیاز آدمیان را به هوای سالم و محیط طبیعی دوچندان کرده است. تشویق مردم به استفاده از وسایل نقلیه عمومی و کاهش استفاده از آلاینده‌ها و همچنین برنامه‌ریزی در جهت ترویج فرهنگ

درختکاری می‌تواند در زمره اقدامات مؤثر در توسعه فضای سبز و بهبود کیفیت زندگی به شمار رود.^۱ خاصه اینکه در مورد گرد و غبار و آلودگی هوا، فضاهای سبز شهری و درختان می‌توانند به‌مثابه ریه‌های تنفسی عمل کرده و تا حد زیادی در تعدیل دما نقش ایفا کنند. در این میان یکی از حقوق شهروندان که باید توسط دولت‌ها با جدیت پیگیری شود، بسط و گسترش فضاهای سبز است. «لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها» (مصوب ۱۳۵۹/۰۳/۰۳) در این زمینه در ماده ۱ مقرر می‌دارد: «به‌منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان قطع هر نوع درخت در معابر، میادین، بزرگراه‌ها و پارک‌ها، باغات و محل‌هایی که به‌صورت باغ شناخته شوند در محدوده قانونی و حریم شهرها بدون اجازه شهرداری ممنوع است». همچنین در تبصره ۴ ماده ۴ این قانون آمده است: «کاشت و حفاظت و آبیاری درختان معابر، میادین، بزرگراه‌ها و پارک‌های عمومی از اهم وظایف شهرداری‌هاست». در این زمینه می‌توان به ماده ۵۵ قانون شهرداری (مصوب ۱۳۳۴/۰۴/۱۱) نیز اشاره کرد که ایجاد پارک‌ها (باغ‌های عمومی) و تجهیز و درختکاری این فضاها را بر عهده شهرداری می‌گذارد. البته ناگفته نماند که مطابق اصل ۵۰ قانون اساسی حفاظت از محیط زیست وظیفه‌ای همگانی تلقی می‌شود.^۲ اما در هر حال دولت در این زمینه می‌تواند از دو حیث نقش اساسی ایفا کند: الف) ارائه آموزش همگانی به توده‌های مردم از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری و گنجاندن واحدی درسی در دانشگاه‌ها و نیز از دیگر راه‌های موجود (نقش نظری)؛ ب) تحریک و تقویت حس مسئولیت جمعی مردم از رهگذر مشارکت دادن اқشار گوناگون در درختکاری و پاکسازی فضای سبز (برنامه عملی).

۳.۱.۵. عطف توجه به حقوق کودکان

بی‌تردید در دنیای مدرن امروزی، با گسترش زندگی ماشینی و آسیب‌هایی که از این رهگذر برای گروه

۱. در آموزه‌های دینی بر اهمیت درختکاری تأکیدات فراوان رفته است. از پیامبر اکرم(ص) منقول است که فرمودند: «هر مسلمانی درختی بکارد، یا کشاورزی کند و انسان یا پرنده یا حیوانی از آن بخورد، برای وی صدقه محسوب می‌شود» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳: ۴۶۰). همچنین از همان حضرت(ع) روایت شده است: «اگر رستاخیز برپا شود درحالی که نهالی در دست یکی از شماست، اگر فرد بتواند آن را بکارد، باید این کار را انجام دهد» (بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۳: ۹۵۸). در روایتی دیگر کاشت درخت در زمره مواردی معرفی شده است که حتی پس از مرگ آدمی موجب رسیدن خیرات و برکات به وی می‌شود: «سِنَّهُ تَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَوَلَدٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ... وَ غَرْسٌ يَغْرِسُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۵۷؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۲۴۶).

۲. «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است».

خردسالان ایجاد شده و به اصطلاح، ایشان کودکی مصنوعی که بخشی از آن ناشی از رشد فناوری‌ها و زندگی شهری است را تجربه می‌کنند، توجه به حقوق کودکان در فضاهای عمومی و فراهم آوردن زیرساخت‌های آن، بیش از گذشته باید مورد تأکید قرار گیرد. آنچه مشخص است اینکه امروزه اگرچه به این مهم کم و بیش توجه شده است، اما همچنان احساس می‌شود در طراحی فضای سبز شهری از نیازهای کودکان غفلت شده است. گسترش ساختمان‌های بلندمرتبه، کاهش روابط همسایگی، کاهش فضای سبز و پارک‌ها و... همگی سبب شده‌اند که کودکان از فضاهای عمومی رانده شوند و شهر فقط مکانی برای بزرگسالانی باشد که به کار و کسب درآمد می‌پردازند؛ این در حالی است که ایجاد محیطی مناسب برای رشد کودک و آشنایی با نیازهایش، زمینه رشد درست شخصیتی و تربیتی‌اش را به‌عنوان نسلی سالم که عامل پیونددهنده گذشته و آینده است فراهم می‌سازد. در همین زمینه مطابق با قاعده کرامت، اصل ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد که با توجه به اینکه آموزش، استراحت، تفریح و فعالیت‌های خلاق، حق هر کودک است، بنابراین باید شرایط مناسبی ایجاد کرد تا کودکان بتوانند محیط و طبیعت اطراف خود را بشناسند و برای حفظ محیط‌زیست تلاش کنند. اوقات فراغت و سرگرمی از جمله اموری است که در این کنوانسیون مطرح شده و بر اساس ماده ۳۱ کنوانسیون، حکومت‌ها باید حق بازی و سرگرمی را برای کودک به رسمیت بشناسند. حکومت‌ها باید امکانات مناسب را برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و هنری و همچنین فراغت و سرگرمی فراهم کنند. در این میان پرواضح است که فضای اغلبی شهرهای ایران برای حضور افراد جامعه به خصوص گروه آسیب‌پذیر همچون کودکان چندان مناسب نبوده و مطابق با مدلول قاعده کرامت نیست. این کمبودها شامل مواردی از قبیل فقدان امنیت و ایمنی لازم تا کمبود فضای سبز و آلودگی‌های مختلف و سلطه خودروها بر شهر، همگی دست به دست هم داده‌اند تا کودکان از فضاهای شهری بهره و استفاده لازم را نبرند. به عبارتی باید گفت فضای شهری امکان کسب تجربه را از کودکان گرفته‌اند و به همین دلیل کودکان با شتاب فزاینده‌ای به سمت وسایل دیجیتالی و بازی‌های انفرادی و نیز انزواطلبی سوق یافته‌اند که ضرورت دارد در این زمینه تدابیر لازم اندیشیده شود.

۲.۳. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر در زمره مشهورترین قواعد فقهی قرار دارد که از دیرباز در خلال متون فقهی مورد استناد فقیهان قرار گرفته است. آنچه این قاعده بر آن دلالت دارد این است که ضرر زدن به دیگران حرام است و در اسلام حکمی که منشأ ضرر باشد وضع نشده است (بجنوردی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۲۴).

مشروعیت قاعده لاضرر مبتنی بر ادله چهارگانه (کتاب، سنت، اجماع، عقل) است (سیستانی، ۱۴۱۴ق: ۹). اما در این میان مهم‌ترین مدرک قاعده مزبور روایتی است که از «زراره» در مورد فردی به نام سمره

بن جندب نقل شده است که مطابق این روایت، سمره به دلیل مراجعات مکرر به درخت خود در زمین همسایه و عدم اطلاع به او، باعث رنجش و مزاحمت برای صاحب زمین و خانواده‌اش می‌گردید و پس از شکایت بردن آن شخص به حضرت رسول(ع)، پیامبر(ص) پس از توصیه‌های مکرر مبنی بر اذن گرفتن سمره قبل از ورود، همچنین پیشنهاد صرف نظر کردن از آن درخت و گرفتن ده درخت در جایی دیگر و حتی وعده درختی در بهشت و در مقابل ابرام و انکار سمره بر عمل خود، سرانجام در حق وی فرمودند: «إِنَّكَ رَجُلٌ مُضَارٌّ وَ لَاضِرٌّ عَلَى مُؤْمِنٍ قَالَ ثُمَّ أَمَرَ بِهَا فُقِّلَتْ وَ رُمِيَ بِهَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۹۴)؛ یعنی تو فردی آسیب‌رسان هستی و مؤمن نباید به کسی ضرر بزند. حضرت(ع) بعد از آن دستور دادند آن درخت را از ریشه کنند و جلوی سمره انداختند.

همچنین در اثبات قاعده لاضرر گفته شده است که عقلای عالم مضمون این قاعده را به رسمیت شناخته و وارد ساختن زیان به دیگران را امری ناپسند می‌دانند و عامل خسارت را ضامن جبران ضرر و زیان وارده می‌شمارند. از این رو در تمام نظام‌های حقوقی این اصل محترم بوده و به‌عنوان یک قاعده حقوقی به آن عمل می‌شود. بنابراین می‌توان گفت بنای عقلا و شیوه خردمندان عالم، پشتوانه محکمی برای قاعده لاضرر به‌شمار می‌رود (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۱۵۱).

پس از توضیحات مذکور، موارد کاربست قاعده لاضرر، ناظر بر موضوع پژوهش، تحلیل می‌شود.

۱.۲.۳. پرهیز از آسیب رساندن به فضای سبز و اموال عمومی

شهروندانی که از امکانات موجود در فضاهای سبز شهری استفاده کرده و در این اماکن عمومی حضور می‌یابند، لازم است که از ورود خسارت و آسیب به اموال موجود در این گونه مکان‌ها اجتناب ورزند و در حراست از آنها نهایت کوشش را مبذول دارند. شمار بسیاری از فقیهان معاصر تأکید کرده‌اند که آسیب زدن به اموال عمومی تعبیه‌شده در این قبیل مکان‌ها گذشته از آن که از حیث حکم تکلیفی، معصیت بوده و فعلی حرام است، از نظر وضعی نیز موجب ضمان شده و فرد خسارت‌زننده باید از عهده خسارات وارده برآید (محمودی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۱۶۶). از نظر حقوقی نیز باید گفت از آنجایی که دولت نماینده مردم و مسئول اداره امور جامعه است، به همین دلیل حفاظت از اموال عمومی در وظایف دولت قرار دارد. ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالم‌اً عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

آتش زدن جنگل‌ها نیز به موجب قانون ممنوع و برای مرتکبان آن مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است. ماده ۴۷ «قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع» (مصوب ۱۳۴۶/۰۵/۲۵) در این زمینه

اظهار کرده است: «آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی ممنوع است. در صورتی که در نتیجه بی‌مبالاتی، حریق در جنگل ایجاد شود مرتکب به حبس تأدیبی از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

۲.۲.۳. رعایت حقوق دیگران

یکی دیگر از مسائلی که در خصوص حقوق شهروندی ناظر بر فضاهای عمومی و خاصه پارک‌ها و فضاهای سبز شهری باید مورد عنایت جدی قرار گیرد، رعایت حقوق سایر افراد است. در این زمینه می‌توان مواردی مانند استعمال دخانیات را مثال زد که بی‌شک استفاده از این مواد دخانی با فلسفه وجودی پارک‌ها و فضاهای سبز شهری همخوانی ندارد و به نقض آشکار حقوق شهروندان منجر می‌شود. از حیث قانونی باید گفت با اینکه «قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات» (مصوب ۱۳۸۵/۰۶/۱۵)، در تبصره ۱ ماده ۱۳ مصرف دخانیات در اماکن عمومی را موجب جزای نقدی دانسته است؛ اما در عین حال آیین‌نامه اجرایی این قانون (مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۱)، مراد از اماکن عمومی را توضیح داده، اما به‌طور مشخص و صریح ذکری از فضاهای سبز شهری و پارک‌ها به میان نیاورده است.^۱ البته می‌توان گفت عدم ذکر فضاهای سبز در قانون مزبور دلالتی بر جواز استعمال دخانیات در این مکان‌ها نمی‌کند؛ چه اینکه ظاهراً مصادیق ذکر شده تمثیلی بوده و برای مثال ذکر شده‌اند؛ نه اینکه حصری باشند و انحصار ممنوعیت مصرف دخانیات در مکان‌های قید شده را برسانند. این برداشت با قید پایانی ماده «و هر نوع مرکز و محل جمعی دیگر» نیز سازگاری بیشتری دارد. البته شاید نیکوتر این بود که قانونگذار به‌طور صریح از فضاهای سبز شهری نیز یاد می‌کرد تا در تفسیر «مراکز جمعی» ابهام و اجمالی باقی نماند.

یکی دیگر از مصادیق رعایت حقوق افراد در فضاهای سبز شهری، حفظ حریم خانواده‌ها و پرهیز از هرگونه آزار کلامی افراد و دیگر رفتارهای خلاف کرامت شهروندان است. پرواضح است که پارک‌ها به جهت وجود زمینه نشاط و گذراندن اوقات فراغت در آنها، با استقبال خانواده‌ها مواجه شده و ایشان برای برطرف کردن خستگی و بازیابی روحیه نشاط در این مکان‌ها حضور می‌یابند. در زمینه مواجهه حقوقی باید گفت قانون‌گذاری در مورد مزاحمت خیابانی در قوانین کشور ما کم‌سابقه نیست. حمایت قانونی در این زمینه برای نخستین بار، در بند ۱۷ ماده ۳ «آیین‌نامه امور خلافی» (مصوب ۱۳۲۴/۰۵/۲۲) صورت گرفت که

۱. «اماکن عمومی: محل‌هایی که مورد استفاده و مراجعه جمعی یا عموم مردم است؛ از قبیل اماکن متبرکه دینی، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، سالن‌های نمایش، سینماها، فضاهای عمومی مهمان‌خانه‌ها و مهمان‌سراها و میهمان‌پذیرها، خوراک‌سراها (رستوران‌ها)، قهوه‌خانه‌ها، کارخانجات، گنجینه‌ها (موزه‌ها)، پایانه‌های مسافربری، فروشگاه‌های بزرگ، اماکن فرهنگی، اماکن ورزشی، کتابخانه‌های عمومی، مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی، وسایل نقلیه عمومی، مؤسسات و سازمان‌های دولتی و عمومی، نهادهای انقلاب اسلامی، بانک‌ها و شهرداری‌ها و هر نوع مرکز و محل جمعی دیگر».

تصریح می‌کند: «کسانی که دخترها و زن‌ها یا پسرها را به اصرار تعقیب نمایند به حبس تعزیری از ۴ روز تا ۷ روز و از ۵۰ تا ۱۰۰ ریال غرامت محکوم می‌شوند». در قوانین بعد انقلاب نیز از حق مصونیت از تعرض دفاع شده و ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) در این زمینه مقرر کرده است: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین کند، به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

از دیگر مصادیق آسیب رساندن به حقوق شهروندی می‌توان به پدیده سگ‌گردانی در پارک‌ها و فضاهای عمومی اشاره کرد که با گسترش شهرنشینی بنا به علاقه افراد یا به اقتباس از فرهنگ مغرب‌زمین نمود و جلوه بیشتری نیز یافته است. البته این نکته که حفاظت از حقوق حیوانات باید مورد توجه و اهتمام همگان قرار گیرد، در جای خود سخنی درست و منطبق با آموزه‌های شرعی است. اما زمانی که حریم شهری و آسایش عمومی مورد تعرض و مخاطره قرار می‌گیرد در این بخش نیز باید دستگاه‌های متولی وارد عمل شده و اقدامات لازم را به عمل آورند؛ چه اینکه بسیار مشاهده می‌شود که برخی از حیوانات از قبیل سگ به شهروندان آسیب وارد کرده‌اند. البته برخی از دارندگان حیوانات اهلی مدعی‌اند که موازین بهداشتی و مراقبت‌های کلینیکی را به‌طور کامل در مورد حیوانات خانگی خود رعایت می‌کنند؛ اما فارغ از اینکه آیا چنین ادعایی در مورد همه دارندگان این قبیل حیوانات صادق است یا خیر و نیز سازوکاری که به تشخیص این امر در محیط عمومی پردازد وجود دارد یا نه، باید اذعان داشت در این زمینه باید ملاحظات عرفی و شرعی را نیز لحاظ کرد. گذشته از این، دیدن این حیوانات ممکن است به‌طور ناخودآگاه موجب ترس و دلهره برخی شهروندان شده و حقوق شهروندی ایشان را پایمال کند. از این رو باید پذیرفت که نگهداری حیوانات و سگ‌گردانی در پارک‌ها و مکان‌های عمومی به معضلی برای برخی شهروندان تبدیل شده است.

شایان توجه آنکه هیچ قانون مشخصی در میان قوانین موضوعه کشور وجود ندارد که گرداندن حیوانات را جرم اعلام کرده باشد^۱ و قانونگذار تاکنون برای نگهداری از حیوانات خانگی مانند سگ در خودرو یا همراه داشتن آن در معابر و پارک‌ها، جرم و مجازات تعیین نکرده است.^۲

۱. البته در برخی مواد قانون مجازات اسلامی اشاره شده است که اگر حیوان یک فرد، آسیبی به شخص دیگری وارد کرد، چگونه درباره آن تصمیم‌گیری می‌شود. در برخی مواد این قانون، برای مثال از سگ نام برده شده و شرایط مجازات صاحب سگ را مشخص کرده است. برای نمونه ماده ۵۰۱ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به‌سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می‌شود». در این ماده به‌روشنی مشخص است که همراه داشتن سگ به‌خودی‌خود جرم نیست؛ ولی در صورتی که فردی، سگ را برای هراس دیگران یا حمله به انسان‌ها برانگیزد، در صورت ورود صدمه به قربانی، فرد برانگیزاننده به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.

۲. البته توصیه مشخص در این زمینه در وهله اول جرم‌انگاری عمل مزبور نیست؛ بلکه جرم‌انگاری به‌عنوان آخرین راهکار

۴. نتیجه

مطابق آنچه گذشت، به موازات تحول حقوق افراد و پیدایش حقوق شهروندی، شهرنشینی رشد فزاینده‌ای یافته است؛ به گونه‌ای که قرن گذشته را قرن انقلاب صنعتی و عصر حاضر را قرن انقلاب شهری دانسته‌اند. در این بین یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که از سویی با حقوق شهروندی ارتباط دارد و از دیگر سوی با رشد فزاینده پدیده شهرنشینی، ضرورت پرداختن به آن دوجندان شده است. نوشتار حاضر با عنایت به اهمیت بحث، کوشید حقوق عام و شهروندی ناظر بر این محیط‌ها را در پرتو رجوع به قواعد فقهی استخراج و تحلیل کند و فرادید قرار دهد و از این رهگذر در ذیل دو عنوان بنیادین و کلی قاعده «کرامت» و نیز قاعده «لاضرر»، حقوق شهروندی مرتبط و مندرج در ذیل هر یک از این دو قاعده را استخراج و شناسایی کرد. نتایج پژوهش نشان داد مستفاد از قاعده کرامت این است که خداوند متعال انسان‌ها را بدون ملاحظه عقیده و فکر و از نظر انسانیت و کرامت ذاتی ایشان، واجد یک دسته از حقوق دانسته است. با عنایت به این نکته می‌توان یک سری از حقوق شهروندی را برای افراد از حیث شهروند بودن و بلکه بالاتر، از حیث انسان بودن و ضرورت حفظ کرامت آدمی در نظر گرفته و رعایت آنها را لازم و ضروری دانست. این حقوق را می‌توان در خصوص پارک‌ها و پیاده‌راه‌ها به مواردی مانند حقوقی از قبیل ایجاد امکانات برای معلولان، تخصیص فضاهای خاص برای ورزش بانوان، ارائه خدمات ضروری و بسط فضاهای سبز شهری، تعریف کرد. قاعده دیگری که در موضوع مقاله می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد، قاعده نفی ضرر است که مطابق آن، افراد باید حقوق یکدیگر را رعایت نموده و از وارد نمودن ضرر و زیان به یکدیگر و تجاوز به حقوق دیگر شهروندان اجتناب نمایند. این قاعده که در زمره کلیدی‌ترین قواعد فقهی است می‌تواند بیانگر حقوقی از قبیل پرهیز از آسیب رساندن به فضای سبز و اموال عمومی و رعایت حقوق دیگران در استفاده از پارک‌ها و فضاهای سبز شهری باشد. در نهایت پیشنهاد می‌شود با عنایت به اینکه قوانین موضوعه و نیز اسناد موجود مطابق مفاد این دو قاعده به ذکر برخی از حقوق شهروندی ناظر بر موضوع پرداخته‌اند که این امر اگرچه مغتنم است، اما ناکافی بوده و مستلزم پیمایش گام‌های دیگر و رفع خلأهای تقنینی در جهت حفظ و حراست از حقوق شهروندی است، در این زمینه

می‌تواند مدنظر قانونگذار قرار گیرد. پیشنهادی که می‌توان در این زمینه ارائه داد این است که اولاً در صورت امکان، مکان‌هایی خاص برای گرداندن این حیوانات در نظر گرفته شود؛ و ثانیاً به مانند بسیاری از کشورها در این زمینه قوانینی برای نگهداری و گرداندن حیوانات در نظر گرفته شود تا از این رهگذر ضمن رعایت حقوق حیوانات، حقوق شهروندان نیز تضییع نشود. برای نمونه الزام صاحبان حیوانات خانگی به اینکه در صورت تردد در مکان‌های عمومی همواره باید این حیوانات با قلاده و تحت نظارت صاحبانشان تردد کنند. یا اینکه صاحبان این قبیل حیوانات پیش از خریداری، دوره‌های آموزشی لازم را بگذرانند و اینکه در طی فواصل معینی به دامپزشک مراجعه کرده و گواهی سلامت حیوان را با خود همراه داشته باشند، می‌تواند تا حد زیادی مشکلات ایجادشده را کنترل کند.

گام‌های تکمیلی توسط قانونگذار و مسئولان ذی‌ربط برداشته شده و نواقص و معایب موجود با توجه به دستاوردها و مصادیق احصاشده در این نوشتار اصلاح و بازنگری شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. امامی، سیدحسین (۱۳۸۶). دوره حقوق مدنی. تهران: اسلامیه.
۲. پیرهادی، علی‌اکبر (۱۳۸۵). حقوق شهروندی. تهران: سروش ملل.
۳. تفلیسی، ابوالفضل (۱۳۶۰). وجوه قرآن. تهران: بنیاد قرآن.
۴. سلجوقی، محمود (۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: میزان.
۵. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۵۰). اصول فلسفه و روش رئالیسم. قم: دارالعلم.
۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). امامت و رهبری. تهران: صدرا.
۷. معین، محمد (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۸. مجنونیان، هنریک (۱۳۷۴). مباحثی پیرامون پارک‌ها، فضای سبز. تهران: سازمان پارک‌ها و فضای سبز تهران.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
۱۲. محمودی، سید محسن (۱۳۸۱). مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع. ورامین: صاحب‌الزمان.

ب) مقالات

۱۳. تقوایی، مسعود و کیومرثی، حسین (۱۳۹۲). ارزیابی و مکان‌یابی بهینه پارک‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای شهر شیراز. نشریه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی. ۱(۲)، ۲۸-۵۴.
۱۴. رسولی، سارا؛ رحیم دخت خرم، سمیرا (۱۳۸۸). ایجاد منظر شهری مطلوب در مسیرهای پیاده. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۲(۲)، ۱۰۳-۱۱۲.
۱۵. عاشوری، علی (۱۳۸۹). بررسی نقش پیاده‌راه در حیات شهر. منظر، ۲(۸)، ۴۴-۴۷.
۱۶. معین، سیدمهدی (۱۳۸۵). افزایش قابلیت پیاده‌مداری. نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، ۲۷(۲)، ۵-۱۶.

۲. عربی

۱. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
۳. بجنوردی، میرزا حسن (۱۴۱۷ق). القواعد الفقهیه. قم: الهادی.
۴. بروجردی، آقا حسین طباطبایی (۱۴۲۹ق). جامع احادیث الشیعه. تهران: فرهنگ سبز.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح. بیروت: دارالعلم.
۶. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۴ق). قاعدة لا ضرر ولا ضرار. قم: دفتر آیه الله سیستانی.
۷. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۹ق). ذکرى الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان. بیروت: الأعلمی.
۹. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۱۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۲. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت.